

جنگ‌ها برای که به‌صدا در می‌آید؟



نیمایات

پژوهشگر مسائل اقتصادی

علت تنش‌های سیاسی و برافروزی آتش جنگ چیست؟ نابودی اقتصاد طرف‌های درگیر جنگ و فروپاشی نظام مالی آن یکی از دلایل اغلب جنگ‌هاست. ثروت جهانی بر مبنای طلا سنجیده می‌شود. طلا علاوه بر کاربرد سرمایه‌ای و استفاده در جوهرات کاربردهای گوناگون دیگری در دندانپزشکی، تولید شیشه‌های رنگی و صنایع الکترونیک دارد که به‌طور دقیق‌تر می‌توان گفت: ۵۰ درصد طلای تولیدی در جهان در گهرسازی، ۴۰ درصد در سرمایه‌گذاری و ۱۰ درصد در صنعت کاربرد دارد. همیشه میان طلا و انواع بحران‌ها و به‌طور کلی بی‌ثباتی در جهان رابطه معکوس وجود دارد. بحران می‌تواند جنگ، تنش‌های سیاسی و یا بحران‌های اقتصادی نظیر افت شاخص بورس باشد. از آنجا که طلا به‌عنوان یک دارایی امن مطرح است، سرمایه‌گذاران پس از مشاهده علل بحران به سرعت دارایی‌های خود را به طلا تبدیل می‌کنند. در نتیجه بحران‌ها از هر نوعی که باشند در نهایت موجب رشد قیمت طلا می‌شوند. بیش از ۵۰ درصد از مبادلات کالایی آمریکا در دنیا با دلار انجام می‌شود پس وقتی راجع به دلار آمریکا صحبت می‌شود منظور شاخص دلار آمریکاست که در سال ۱۹۷۳ با ارزش ۱۰۰ شروع به کار کرد و در بازارهای مالی جهان مورد معامله قرار گرفت. عواملی همچون تورم و سیاست‌های انبساطی کوتاه‌مدت (منظور از کوتاه‌مدت بین شش ماه تا یک سال است) می‌توانند موجب افت ارزش ارز هر کشور شوند و این موضوع برای شاخص دلار نیز مطرح است. صحبت ساده‌تر اینکه افت اقتصاد جهانی – در صورتی که اقتصاد آمریکا ثابت باشد – نیز موجب رشد شاخص دلار خواهد شد. یا در مثال دیگر افت قابل توجه قیمت یورو در شاخص دلار منجر به تقویت شاخص دلار خواهد شد. تورم جزو عوامل موثر در قیمت طلا و علاوه بر اثر مستقیمی که بر افزایش قیمت کالاها و خدمات دارد موجب شده تا طلا به‌عنوان یک دارایی امن برای سرمایه‌گذاری مطرح شده و تقاضای آن زیاد شود. طلا پشتوانه‌ای برای ارزهای بانکی است و بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف نیز، با استفاده از این فلز گرانبها، ارزش ارز فیات خود را حفظ می‌کنند. کاهش نرخ بهره بانکی، نشان‌دهنده اقتصاد ضعیف یک کشور است. به‌عنوان مثال اگر سرمایه‌گذاران با کاهش نرخ بهره بانکی در آمریکا مواجه شوند، از سرمایه‌گذاری روی دلار اجتناب می‌کنند و به جای آن طلا را انتخاب می‌نمایند. افزایش تقاضا برای خرید طلا نیز، سبب افزایش قیمت این فلز خواهد شد. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که در شرایط خاص، ممکن است رکود اقتصادی، قیمت طلا را افزایش دهد. برعکس در صورت کاهش تورم افراد تمایل زیادی به سرمایه‌گذاری در بازار طلا نخواهند داشت. در واقع به‌صورت تحلیلی رابطه مستقیمی میان قیمت نفت و طلا وجود ندارد، اما پایین رفتن قیمت نفت موجب کاهش هزینه‌ها و در نتیجه کاهش تورم جهانی می‌شود. اما در مقابل آن، افزایش یا کاهش قیمت طلا تأثیر چندانی بر قیمت نفت نخواهد داشت. بررسی آماری این مقاله بر مبنای تأثیر طلا در اقتصاد جهانی است و گر نه در کشور ایران رابطه کالاها اکثراً با ارزش‌های خارجی مثل یورو و دلار سنجیده می‌شود و با توجه به این موضوع که قیمت جهانی طلا به دلار است، افزایش قیمت دلار باعث افزایش قیمت طلا در ایران می‌شود. حال باید این پرسش را مطرح کرد که: «جنگ برای که به‌صدا در می‌آید؟»

خبر

هادی خسروشاهین:

آمریکا، اسرائیل را به سمت آتش‌بس حرکت می‌دهد

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در مورد سفرهای منطقه‌ای بلیکن اظهار داشت: من تصور این است که سفر آقای بلیکن به منطقه، در راستای سیاست کانونی ایالات متحده در نظام بین‌المللی و به ویژه در حوزه خاورمیانه است. چون در واقع در سند امنیت ملی و دفاع ملی آمریکا به سه منطقه کانونی اشاره می‌شود که منطقه هندو-پاسیفیک، اروپا و خاورمیانه است و استراتژی کانونی ایالات متحده، سیاست بازدارندگی و پیشگیری از جنگ و انجام اقداماتی برای پرهیز رقبا از به‌وقوع پیوستن جنگ متمرکز است. هادی خسرو شاهین گفت: به نظر می‌آید که سیاست اولیه آمریکا یعنی همان سیاست پیشگیری از جنگ یا ممانعت از اقدامات رقبا برای آغاز جنگ در ۱۲ اکتبر با یک غافلگیری مواجه شد و علت این غافلگیری هم برمی‌گشت به اینکه در استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا نقشی برای بازیگران غیردولتی به‌ویژه در منطقه خاورمیانه در نظر گرفته نشده بود و علت اولین ضربه به استراتژی بازدارندگی آمریکا این بود. بنابراین آقای بلیکن و بایدن تصمیم گرفتند برای پیشگیری از ضربه دوم به عبارت بهتر ممانعت از یک جنگ گسترده منطقه‌ای وارد عمل شوند و در تلاش بودند که جنگ غزه یا دامنه جغرافیای جنگ را محدود به غزه کنند و از ورود بازیگران دیگر یا بازیگر سوم به تحولات جنگ غزه خودداری به عمل بیاورند و در مرحله دوم مانع از به‌وقوع پیوستن جنگ بزرگ منطقه‌ای شوند تا بتوانند از آن سیاست کانونی خودشان یعنی سیاست بازدارندگی و عدم ورود آمریکا به یک جنگ گسترده بعد از تلاش برای پایان دادن به جنگ‌های بی‌پایان خودداری به عمل بیاورند. این کارشناس مسائل سیاست خارجی یادآور شد: بنابراین سفر آقای بلیکن به منطقه را باید در راستای اسناد بالادستی آمریکا و سندهای دفاع ملی و امنیت ملی و مهم‌ترین دغدغه کنونی دولت بایدن یعنی حفظ یا حراست از سیاست بازدارندگی و پیشگیری از جنگ یا جنگ گسترده قلمداد کنیم. خسروشاهین تصریح کرد: هر قدر زمانی می‌گذرد به زیان دولت بایدن خواهد بود و دولت بایدن در دو، سه هفته آینده مجبور است که یک نگاهی به گذشته سیاست خودش کند و اسرائیل را برای اتخاذ سیاست جدید حتی شاید به سمت یک سیاست آتش‌بس حرکت بدهد. چون بایدن با فشارهای طاقت‌فرسا با احتمال از دست دادن کاخ سفید در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ مواجه خواهد بود.



نتانیاها در صورتی

می‌تواند ادعای

پیروزی کند که جنگ

را فرآگیر کند

حشمت... فلاح‌ت پیشه‌در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

سخت‌های حسن نصرا...۰۰

ماهیت

جنگ را تغییر داد



هدف اصلی اسرائیل

تبدیل جنگ غزه به

جنگ بین ایران و

آمریکاست



آرمان ملی – احسان نصاری: از زمان عملیات طوفان الاقصی در جنوب اسرائیل در ۱۷ اکتبر که ۱۴۰۰ صهیونیست کشته شدند، اسرائیل با هدف آنچه «نابودی» حماس عنوان شده، شمال نوار غزه را هدف حملات هوایی و زمینی خود قرار داده که تا کنون براساس گزارش مقام‌های بهداشتی غزه بیش از ۱۰ هزار فلسطینی شهید شده‌اند که بسیاری از آنها کودک و زن هستند. هر دو طرف اسرائیل و حماس در خواست‌ها برای توقف درگیری‌ها وارد کرده‌اند. اسرائیل می‌گوید ابتدا باید اسرا آزاد شوند. حماس هم می‌گوید تا زمانی که غزه تحت حمله است آنها را آزاد نخواهد کرد و حملات خود را نیز متوقف نمی‌کند. از سوی دیگر بازنده عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد روز دوشنبه با برگزاری نشست غیرعلنی بار دیگر در تلاش خود برای دستیابی به توافق بر سر تصویب قطعنامه‌ای در ارتباط با جنگ حماس و اسرائیل شکست خوردند. اعضای شورای امنیت پیش از این در دو هفته گذشته چهار بار برای تصویب چنین قطعنامه‌ای تلاش کرده‌اند. مانع اصلی، توافق بر سر اعلام درخواست آتش‌بس و یا توقف بشر دوستانه برای ارسال کمک‌ها به نوار غزه است. بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل مدعی است: «آتش‌بس عمومی تلاش‌ها در جریان جنگ را مختل می‌کند اما توقف جنگ به دلایل بشر دوستانه، ایده‌ای است که توسط متحد بزرگ اسرائیل یعنی ایالات متحده نیز حمایت می‌شود و همچنان حسب شرایط مورد بررسی قرار خواهد گرفت.» «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی آخرین تحولات جنگ اسرائیل و حماس با دکتر حشمت ا... فلاح‌ت پیشه، استاد دانشگاه و تحلیل‌گر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

جنگ اسرائیل و حماس با چشم‌انداز نامشخصی

مواجه شده که هر احتمالی می‌توان درباره آینده آن مطرح کرد. چرا این اتفاق رخ داده‌است؟

در شرایط کنونی وضعیت فلسطین یک تابلو مشخص دارد که تقلا‌ی بین جنگ و دیپلماسی است. در چنین شرایطی از یک طرف اسرائیل و حامی اصلی آن یعنی آمریکا موضوع جنگ را دنبال می‌کنند و به دنبال حمله هستند و حاضر نیستند یک آتش‌بس موقت و انسان‌دوستانه را اعلام کنند و از طرف دیگر کشورهای دیگر قرار دارند که به دنبال این هستند که این مسأله با دیپلماسی و آتش‌بس حل شود. هدف این گروه از کشورها نیز این است که وضعیت غزه از این بدتر نشود. نتانیاها رویکرد همیشگی خود را یعنی تحمیل سلطه صهیونیسم به همه منطقه را دنبال می‌کند. صهیونیسم ررضی از خاک فلسطین و صهیونیسمی که بتواند به پشتوانه آمریکا از نظر سیاسی در خاک خود دنبال کند. این واقعیتی است که در شرایط کنونی وجود دارد و هر کدام نیز دارای ابزارها و محدودیت‌هایی در این زمینه هستند. مهم‌ترین محدودیتی که امروز آمریکا با آن مواجه است این است که شرایط امروز با شرایطی جنگ ۳۳ روزه و یا جنگ‌های قبلی با حماس متفاوت شده است. در واقع روایت‌گری جنگ از دست بسیاری از رسانه‌های بزرگ جهان خارج شده و امروز ما با روایت‌گری قربانیانی مواجه هستیم که در شرایط جنگی به سر می‌برند و روز به روز تعداد قربانیان آنها بیشتر می‌شود. این وضعیت اثری است که فضای مجازی علیه جنگ ایجاد کرده است. در گذشته در حدود ۸۵ درصد رسانه‌های جهان تحت مدیریت صهیونیسم جهانی بودند امروز نمی‌توانند انحصار‌گری روایت‌گری جنگ را برعهده داشته باشند. در چنین شرایطی مشاهده می‌کنیم که بیش‌ترین فشار به ارتش آمریکا از درون آمریکا شکل گرفته است. از سوی دیگر کشورهای اروپایی نیز مواضع متفاوتی نسبت به آمریکا دارند. این در حالی است که حتی کشورهای منطقه نیز تحت فشار مردم خودشان قرار دارند. نتیجه این وضعیت نیز صهیونیست‌ستیزی در جهان امروز است. این وضعیت حتی اگر به شکست نتانیاها نیز منجر شود باعث شکل‌گیری گروه‌های مبارزه‌تر از حماس خواهد بود.

در شرایط کنونی هرچه زودتر این جنگ به پایان برسد بیشتر منافع ایران و کشورهای همسو با ایران را تأمین خواهد کرد. به همین دلیل بهترین تصمیم از سوی ایران در شرایط کنونی پرهیز از جنگ است. در واقع هرچه به سمت مدیریت تنش در جنگ میان اسرائیل و نیروهای مقاومت فلسطینی حرکت کنیم منافع فلسطین بیشتر حفظ می‌شود. حتی اگر اسرائیل حماس را از بین ببرد جریان‌هایی به مراتب پیچیده‌تر و قوی‌تر از حماس شکل خواهد گرفت. امروز علیه یهودی‌ها کمپین‌های قابل توجهی در سراسر دنیا شکل گرفته است و این کاری است که نتانیاها خودش عامل آن شده است. جنگ هر نتیجه‌ای داشته باشد نتانیاها قربانی آن است

در شرایط کنونی وضعیت فلسطین یک تابلو مشخص دارد که تقلا‌ی بین جنگ و دیپلماسی است. در چنین شرایطی از یک طرف اسرائیل و حامی اصلی آن یعنی آمریکا موضوع جنگ را دنبال می‌کنند و به دنبال جنگ هستند و حاضر نیستند یک آتش‌بس موقت و انسان‌دوستانه را اعلام کنند و از طرف دیگر کشورهای دیگر قرار دارند که به دنبال این هستند که این مسأله با دیپلماسی و آتش‌بس حل شود. هدف این گروه از کشورها نیز این است که وضعیت غزه از این بدتر نشود

فلسطینی بود که واقعیت‌ها را درک نمی‌کردند و بیشتر درگیر مذاکرات دیپلماتیک بودند. در همان ساعات ابتدایی که این اتفاقات رخ داد من در یک مصاحبه عنوان کردم که ایران غافلگیر شده و شرایط در راستای اهداف نتانیاها بیش رفته است. در واقع نتانیاها که به دنبال کشتادن ایران و آمریکا به جنگ است در مواضع برخی مقامات ایران این خواسته را مشاهده کرد. پس از آن ایران تلاش کرد در کانون دیپلماسی قرار بگیرد و این رویکرد را ادامه دهد.

مواضع سید حسن نصرا... به چه میزان در چشم‌انداز آینده جنگ اسرائیل و حماس تأثیرگذار خواهد بود؟

صحبت‌های حسن نصرا... احتمال جنگ را از بین نبرد اما ماهیت جنگ را تغییر داد. حسن نصرا... به خوبی می‌داند که اگر اعلان جنگ کند حتی این احتمال وجود دارد که در درون لبنان نیز همراهی لازم را به دست نیاورد. به همین دلیل موضع جلوگیری از بحران را در پیش گرفت. در شرایط کنونی حتی اگر جنگی نیز بین حزب ا... و اسرائیل شکل بگیرد مردم لبنان نیز نمی‌دانند که حزب ا... بانی جنگ نبوده است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که کانال اصلی کشتادن پای ایران و آمریکا به جنگ غزه حزب ا... لبنان است. کانال دوم نیز رفتارها و اقداماتی است که برخی گروه‌های مقاومت انجام می‌دهند. هر گونه فراگیرتر شدن جنگ به سود نتانیاها است. این در حالی است که در شرایط کنونی هرچه زودتر این جنگ به پایان برسد بیشتر منافع ایران و کشورهای همسو با ایران را تأمین خواهد کرد. به همین دلیل بهترین تصمیم از سوی ایران در شرایط کنونی پرهیز از جنگ است. در واقع هرچه به سمت مدیریت تنش در جنگ میان اسرائیل و نیروهای مقاومت فلسطینی حرکت کنیم منافع فلسطین بیشتر حفظ می‌شود. حتی اگر اسرائیل حماس را از بین ببرد جریان‌هایی به مراتب پیچیده‌تر و قوی‌تر از حماس شکل خواهد گرفت. امروز علیه یهودی‌ها کمپین‌های قابل توجهی در سراسر دنیا شکل گرفته است و این کاری است که نتانیاها خودش عامل آن شده است. جنگ هر نتیجه‌ای داشته باشد نتانیاها قربانی آن است و متهم است به کشتار علیه بشریت. او تنها امیدش این است که به هر شکلی ایران و آمریکا را بر سر مساله فلسطین به جان هم بیندازد.

معتقدم ایران هرچه به سمت مدیریت تنش برود در راستای منافع فلسطین است. آمریکا کم‌کم بند در جنگ است. در اوج این تنش آمریکایی‌ها مجبورند واقعیت بازگیری ایران در موضوع فلسطین و دیگر مسائل منطقه‌ای را بپذیرند و در این شرایط دیپلماسی مهم و موثر است. با همه این اوصاف معتقدم اگر تحولات در سرزمین‌های اشغالی به سمت آرامش و صلح برود به نفع مردم و منطقه است.

نگره

اختلافات اصولگرایان تمامی ندارد

چالش سخت‌قالیباف راسایی

از روز گذشته فیلمی از حمید رسایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که تندترین افشاگری‌ها را علیه قالیباف مطرح می‌کند. برای فهم این مسأله باید کمی به عقب برگشت. سال ۱۳۹۸ برای نوشتن لیست اصولگرایان در انتخابات، اختلاف در اردوگاه آن‌ها بالا بود. لیست «شورای وحدت» که منتشر شد همگی انتفال را غیر ممکن تصور می‌کردند، اما دو بار این فهرست ویرایش شد. یک بار قالیباف چند نفر از دوستانش را وارد فهرست کرد و نوبت بعدی، جبهه پایداری با گرفتن چند سهمیه وارد ائتلاف بزرگ اصولگرایان شد. اما برای مجلس دوازدهم، اصولگرایان خیلی زودتر رقابت را کلید زدند. یک مسئله برای آن‌ها روشن بود: رقیب قدری در میان اصلاح‌طلبان وجود ندارد بنابراین آنها باید در یک بازی درون‌گروهی برنده می‌شدند.

تولد شریان

اسفند سال گذشته بود که جریان جدیدی به نام شریان متولد شد؛ جریانی که می‌توان آن را بازوی اجرایی جبهه پایداری قلمداد کرد. جریانی سیاسی که در دهه هشتاد تحت عنوان رایحه خوش خدمت زیر نظر اصولگرایان تندروی نزدیک به احمدی‌نژاد متولد شده بود در این سال‌ها بارها در تشکیلات مختلف بروز و ظهور داشت. در ابتدای دولت روحانی آنها قصد داشتند تشکیلاتی به نام یکتا را راه‌اندازی کنند و چند جلسه هم برگزار کردند، اما بعداً یکتا به حاشیه رفت. تولد حزب شریان (شبکه راهبردی یاران انقلاب) با محوریت بذریاش و رسایی، نوبت تولد تشکیلات قدیمی را می‌داد؛ تشکیلاتی که احتمالاً در ائتلاف با حزابی مانند جبهه پایداری، در مقابل شانا (شورای ائتلاف نیروهای انقلاب به رهبری حداد‌عادل) و جمنا (جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی به رهبری قالیباف) و... زور آزمایی می‌کرد.

اختلافات بر سر چیست؟

در زمان تأسیس شریان، این پیش‌بینی وجود داشت که تمایل جریان پایداری و آنها که زیر سقف شریان جمع شدند، این باشد که قالیباف را به سرنویشت حداد‌عادل در مجلس هفتم دچار کنند. اختلافات بذریاش و شورای ائتلاف از لیست شورای شهر افزایش یافت. بذریاش به دنبال لیستی بود که خروجی آن منجر به شهردارشدنش می‌شد، اما شورای ائتلاف نتوانسته بود او را راضی کند. در مقابل همان زمان رسانه‌های نزدیک به قالیباف شدیداً با شریان زاویه داشتند. از نظر آن‌ها «شریان» یک جریان «وحدت‌شکن» است که به‌دنبال «سو‌رقلابی‌گری» بود که «در کف جامعه اقبال لازم» را نداشت. به‌باور آن‌ها «شریان» آمده تا در مقابل «شانا» و با موازی‌کاری مانع از «فتش‌آفرینی بزرگان» گفت‌وگوهای ائتلافی باشد. منظور آنها این است که شریان آمده تا در مقابل پدرخوانده‌های اصولگرایی قرار بگیرد. قالیباف برای مقابله با شریان عجله نکرد. او شش ماه و بیشتر برنامه ریزی کرد و سرانجام با یک همایش ظاهراً ۴ هزار نفره، سعی کرد در مقابل شریان قدرت خود را به رخ بکشد. همایشی که با ریمبردینگ شانا و چمن‌همراه بود و ظاهراً قرار است آنها در انتخابات پیش‌رو با نام «مینا» یا مجمع یباری نیروهای انقلاب حضور پیدا کنند. در یکی دو هفته گذشته، شلوغی همایش مینا و خلوتی برنامه‌ای که به‌بهانه حمله اسرائیل به غزه توسط شریان برگزار شده بود، زمینه انتقادات تند رسانه‌های قالیبافی از شریان شده است. رسانه‌های اصولگرا آنها را «جاماندگان از فطار تحولات سیاسی» سال‌های اخیر می‌خوانند. صبح‌نهم نوشته‌چهره‌هایی نظیر حمید‌رسایی، میثم نادی، سعید قاسمی، ایزدخواه و ابوالقاسم جراره از جمله افراد طیف «شریان» بودند که در مراسم مذکور حضور داشتند و این جرآنکه عمر چندانی هم در عرصه سیاست ندارد، در اولین کنش جدی خود، در سال جدید مراسمی که تعداد و بیشتر شبیه به یک دورهمی مناسبتی برگزار کرد. اما شریانی‌ها هم ساکت ننشستند، حمید رسایی بیش از دیگران ادعاهای آنها را زیر سوال برد و نوشت «فتنشد کی به کیه، پیاز داغش را زیاد می‌کنیم می‌گوییم ۴۰۰۰ نفر شرکت کرده‌اند تا هم مردم ما را بار کنند و هم قیبت بترسند و کنار بکشند! با اتوبوس از هر استان ۳۰ نفر آوردید و پیاز داغش را زیاد کردید. اگر هزینه پذیرایی، ناهار، پول بلیت و تردد مهمانان شهرستانی‌ها را بیاوریم حساب می‌افتد؟» پس از آن نیز فتن‌ندتری از حمید‌رسایی منتشر شد. افشاگری‌هایی درباره معاون پارلمانی دیوان محاسبات و ماجرای سعید محمد و برکناری معاون سیاسی وزارت کشور و... کرد و در نهایت قالیباف را به چالش سختی کشید. از آن سو قالیباف نیز قصد دارد پیام مهمی را به سایر گروه‌های اصولگرا بدهد: کسی در این انتخابات، حق اشغال کردن و راه‌انداختن رقابت درون گروهی ندارد. حمید رسایی با وجود سر و صدای بیشتری که دارد، مهره مهمی در مناسبات اصولگرایان نیست، اما قالیباف خوب می‌داند از محسن رضایی و مخبر و زاکانی گرفته که ظاهراً فعلاً با مینا همراهند تا سعید باستانی و قاضی زاده هاشمی، همگی ظرفیت این را دارند که در انتخابات مجلس به دنبال وزن‌کشی باشند. آن هم در شرایطی که افرادی مثل باهنر هم نامزد انتخابات شده‌اند و نمی‌توان از کنار اسم آن‌ها به سادگی گذشت.